

صداگذاری

یک بار دیگه به دوره آموزشی زومه خوش اومدید.

در این جلسه چرخه آموزش رو یاد می گیریم که کمک میکنه شاگردان از یک نفر به تعداد زیادی افزایش پیدا کنند و یک ماموریت رو تبدیل به یه جنبش می کنه.

تا حالا یاد گرفتید دوچرخه سواری کنید؟

تا حالا کمک کردید یه نفر دیگه هم یاد بگیره؟

اگر اینطوره، احتمالا خودتون چرخه آموزش رو میشناسید.

این خیلی ساده: مدل، کمک، تماشا و رها کردنه.

به گذشته فکر کنید، زمانی که هیچ وقت سوار دوچرخه نشده بودید؛ احتمالا اول یکی دیگه رو در حال دوچرخه سواری دیدید. این همون مدل سازیه.

مدل، کمک، تماشا و رها کردن.

مدل سازی به سادگی یعنی به یکی دیگه نمونه ای نشون بدید از اینکه چطوری کاری انجام میشه.

وقتی بچه ای اول میبینه یکی دیگه دوچرخه سواری می کنه، همون موقع اون ایده رو دریافت می کنند.

مدل سازی اینجوریه که لازم نیست اغلب انجام بشه؛ معمولا لازمه یک بار انجام بشه!

به زمانی فکر کنید که برای اولین بار دوچرخه سوار شدید. ایا فقط میخواستید تماشا کنید؟ یا هیجان داشتید که خودتون هم سوار شید و امتحانش کنید؟

چی میشد اگه هرگز کسی بهتون فرصت سوار شدن رو نمیداد؟

مدل سازی بیش از حد در واقع به پروسه آموزش آسیب میزنه. مدل سازی یعنی به یه نفر یه کوچولو نشون بدی و بعد بذاری خودش امتحان کنه.

خب، اولین باری که سوار دوچرخه شدید چه اتفاقی افتاد؟ آیا اونها دوچرخه رو بهتون دادن و رفتن؟

احتمالا نه.

وقتی اغلب افراد یاد میگیرن چطور دوچرخه سواری کنن، یکی اونجا هست که برای اولین پدالهایی که میزنن باهاشون حرکت می کنه و اونها رو در مسیر نگه میداره.

این کمک کردنه.

مدل، کمک، تماشا و رها کردن.

کمک کردن باعث میشه که یادگیرنده مهارتی رو تمرین کنه ولی مطمئن باشه که افتادن ها خیلی سخت نخواهد بود.

کمک کردن بیشتر از مدل سازی طول میکشه. اما نه بیش از حد طولانی. این نیاز به دست گرفتن داره، نیاز به هدایت و مشاوره داره؛ ولی همش درباره انتقال اصول پایه هست. این تا زمان کامل شدن مهارت شخص نیست. این تا زمانی که بتونن رکاب بزنن.

میتونن تصور کنین در حینی که شروع می کنین تند پدال میزنین و سرعت میگیرین کسی همچنان کنارتون بدوه؟ خیلی نمیتونن ادامه بدن و شما هم هیچ وقت یاد نمیگیرین تعادلتون رو حفظ کنین.

کمک کردن برای اینه شخص بتونه حرکت کنه و بتونه خودش بتنهایی یکم برونه. و وقتی شرروه کردن به راه افتادن، در واقع برای یادگیرنده بعدی که تو راهه مدل سازی می کنند.

حتی وقتی دست هیچ کس دیگه ای روی دوچرخه نیست، معنیش این نیست که تنهائید. معمولاً یکی هست که نگاهش به شماست – اما از دور.

این تماشا کردند.

مدل، کمک، تماشا و رها کردن.

تماشا کردن تأثیرگذاری روی یادگیرنده است تا وقتی که در اون مهارت سر رشته پیدا کنند، و تماماً بدون دخالت و کنترل کردن انجام میشه.

تو دوچرخه سواری، شخص میتونه بلند شه و تقریباً سریع راه بیفته، ولی معنیش این نیست که الان دیگه همه قوانین خیابونها رو بلده.

تماشا کردن برای اینه که مطمئن بشیم شخص در امنیته، حتی وقتی هیچ کس دور و برش نیست. تماشا کردن فقط برای این نیست که مطمئن بشیم شخص میدونه چیکار باید بکنه، بلکه برای این هم هست که مطمئن بشیم کارهای لازم رو انجام میده، حتی وقتی کسی نمی بیندش.

تو این مرحله از چرخه آموزش، یادگیرنده رشد می کنه و به دیگران هم یاد میده چطور رشد کنند... پس اونها هم به بقیه یاد میدن چطور رشد کنند... و بقیه هم به افراد دیگه یاد میدن که چطور رشد کنند.

شاگردانی که شاگردانی میسازند که شاگردانی میسازند که شاگردسازی می کنند. این تا نسل سوم و چهارم ادامه پیدا می کنه.

تماشا کردن برای اینه که مطمئن بشیم یادگیرنده بالغ میشه و نه فقط میخواد بلکه میتونه به دیگران هم کمک کنه. تماشا کردن مدتی زمان میبره. شاید حتی ده برابر مدت زمان مدل سازی و کمک رویهم طول بکشه. شاید حتی طولانی تر. اما این انتظار ارزشش رو داره.

بالاخره – دوچرخه سوار، دوچرخه سواری می کنه.

این همون مفهوم رها کردند.

مدل، کمک، تماشا و رها کردن.

رها کردن مثل فارغ التحصیلیه. به دانشجو تبدیل به یه معلم میشه. یه کارگر تبدیل به همکار میشه. یه شاگرد تبدیل به یه دوست میشه.

تو دوچرخه سواری، کسی که بهتون دوچرخه سواری یاد میده هربار که سوار دوچرخه میشید باهاتون نمپاد. بعضی وقتها ممکنه اونها هم همراهتون دوچرخه سواری کنن. یا بعضی وقتها خودتون جداگونه دوچرخه سواری کنید یا با دیگران یا حتی به تنهایی.

رها کردن یعنی دادن آخرین هدیه به کسی که دوستش دارید — هدیه آزادی. رها کردن برای اینه که شخص مجهز بشه به جایی بره که شما قبلا رفتید ولی تشویق هم بشه که به جایی بره که شما هنوز نرسیدید.

مدل، کمک، تماشا و رها کردن.

چرخه آموزش.

از یک نفر به بسیاری.
از یه ماموریت به یه جنبش.